

# نسبت ابن سینا و فلسفه مشاء<sup>۱</sup>

## (معناشناخت تاریخی اصطلاح مشائی)

سید محمد علی دیباجی<sup>۲</sup>

### چکیده

اصطلاح مشائی بطور مطلق در ادبیات فلسفی معاصر درباره شیوه فلسفی ارسطو، پیروان او، ابن سینا و شماری از فیلسوفان مسلمان بکار میرود. از طرف دیگر، ابن سینا که خود رئیس حکمای مشاء در میان مسلمانان محسوب میشود، در یکی از آثارش انتقادات شدیدی بر مشائیان وارد کرده و آنها را تخطئه نموده است. اکنون سؤالاتی که در اینباره پیش می‌آید عبارتند از: آیا ابن سینا ارسطو را نقد کرده یا انتقادات وی متوجه پیروان اوست؟ اگر انتقادات او از مشائیان به ارسطو مربوط نیست، آیا پیروان یونانی، اسکندرانی، رومی و مشائیان بغداد در دوره اسلامی را به یک اندازه شامل میشود؟ و بالأخره این فرض هم قابل بررسی است که آیا میتوان نقدهای او از مشائیان را دلیل عدول

۱۱

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح تحقیقاتی شماره ۲۲۰۲۰۲۲/۱/۰۴ با عنوان «جنبه‌های اشرافی در حکمت سینوی» است که با حمایت دانشگاه تهران (پردیس فارابی) انجام گرفته است.

۲. دانشیار دانشگاه تهران؛ dibaji@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۶ تاریخ تأیید: ۹۴/۱۲/۴



وی از فلسفه مشائی به حکمت مشرقی دانست؟ در نوشتار حاضر ضمن مرور تاریخی و معناشناختی بر کلمه «مشاء» این مطالب مورد بحث قرار گرفته که میتوان سه دسته از مشائیان (اصحاب لوکتوم، دوره میانی قرن سوم تا ششم میلادی و اصحاب بیت الحکمه) را در تاریخ فلسفه شناسایی کرد که انتقادهای ابن سینا متوجه هر سه گروه بویژه سومین آنهاست؛ بعلاوه بنظر ابن سینا میتوان از فلسفه مشائی چنان روایتی داشت که نقصها و کژیهای آن رفع گردیده و بصورت اصلاح شده مورد قبول بلکه مورد توجه و تأکید واقع شود و این میتواند تمهیدی بر حکمت مشرقی او باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ابن سینا، فلسفه مشاء، مشائیان، ارسطو، حکمت مشرقی

\* \* \*

#### مقدمه

اصطلاح «مشائی» و «مشائیان» در ادبیات فلسفی ایران و جهان اسلامی بطور مطلق درباره ارسطو، پیروان یونانی او، ابن سینا و شماری از فیلسوفان مسلمان تابع ابن سینا بکار میرود. استعمال این اصطلاح همچنین درباره برخی دیگر از فلاسفه قبل از ابن سینا همچون فارابی و کندی هم کم و بیش بچشم میخورد. این واژه، از ریشه مشی بمعنی راه رفتن و در قالب صیغه مبالغه (بر وزن فعال) بمعنی کسی است که بسیار راه میرود و در کتب لغت آمده است که این کلمه در صیغه مفرد معانی دیگری غیر از رونده هم دارد، اما بصورت جمع (مشائیون در عربی یا مشائیان در فارسی) یا منسوب (مشائی) تنها به فلاسفه پیرو ارسطو اطلاق شده است.

آنچه درباره بکارگیری این اصطلاح بسیار مهم است، نه صرفاً وجه نامگذاری آن - که بدان خواهیم پرداخت - بلکه مراحل شکلگیری، معنا و مواضعی است که فیلسوفان بزرگی چون فارابی و ابن سینا در مورد این طریقه داشته و بصورت اشاره یا صراحت درباره آن سخن گفته‌اند؛ بویژه بررسی دیدگاه انتقادی ابن سینا از مواضع مشائیان، با وجود آنکه خود او بعنوان رئیس فلاسفه مشائی معروف است، بسیار مهم مینماید. بنابراین، باید به سرگذشت این اصطلاح و دلایل اطلاق آن بر ارسطو و پیروانش و تفاوت آنها در شایستگی که برای این توصیف دارند و همچنین تأثیر جریان ترجمه (در عهد دولت عباسی) در تطور معنای مشائی و عکس‌العملی که

۱۲

